

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران در راستای اهداف و وظایف خود و با اتخاذ سیاست بازآفرینی پایدار شهری کوشیده است گام‌هایی را برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری در شهرهای ایران بردارد. فهم درهم‌تنیدگی مسائل شهری و لزوم در پیش گرفتن نگاه کل‌نگر، جامع و یکپارچه، نیاز به ارتقاء دانش نظری در ابعاد گوناگون را آشکار می‌کند تا از این طریق بتوان سیاست‌های کارآمدتری را اتخاذ کرد و در عرصه عمل در پیش گرفت. بدیهی است مقوله ارتقاء کیفیت زندگی شهری نیز که موضوعی چندبعدی است و تقویت حضور و مشارکت گسترده ساکنان، مالکان و استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری را در پی خواهد داشت، تنها با پرداختن به امور عینی، کالبدی و روبنایی محقق نخواهد شد. یکی از مسیرهای تحقق ارتقاء کیفیت زندگی شهری، چه در بعد عینی و چه در بعد ذهنی، توجه ویژه به بحث "منظر شهری" است.

در میان راهبردهای تبیین شده بر اساس سیاست بازآفرینی شهری در وجوه مختلف، منظر شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. حفاظت پایدار و احیای میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهرها، بهبود و ارتقای تصویر ذهنی مردم از محله‌ها و محدوده‌های هدف، حفظ زیست بوم‌ها و اکوسیستم‌ها از جمله راهبردهایی است که در این سیاست در ارتباط با منظر شهری مطرح می‌شوند.

منظر شهری از تعامل شهروند با محیط مصنوع و طبیعی شهر شکل می‌گیرد، تعاملی که نه تنها عینی و بصری است، بلکه رفتار و درک ذهنی شهروندان از برخورد با شهر را نیز در بر می‌گیرد. از این رو پرداختن به موضوع منظر شهری با تاکید بر توجه و احترام به عناصر طبیعی که ریشه در هویت فرهنگی و تاریخی ایران دارد و در هنرهای همچون معماری، شعر و ادبیات ایرانیان نمود پیدا کرده است، لزوم تجدید مقام والای طبیعت در نظام برنامه‌ریزی و تداوم فرهنگ پاسداری از آن را تکلیف می‌کند.

علاوه بر منظر طبیعی، توجه به گنجینه ارزشمندی که در طول تاریخ و از طریق تداوم شیوه زیست در شهرهای ایرانی برای ما به میراث رسیده، همچون سازمان فضایی شهرها و نظم ارگانیکی که با انطباق کامل بر حیات مدنی شهر، بهترین بازدهی را برای شهرها در متن تاریخی خود فراهم می‌کردند و همچنین امتداد این نظام تا معماری تک‌بناها، برای پر کردن گسست با گذشته - که با غلبه دنیای مدرن در حال بیشتر شدن است - ضروری به نظر می‌رسد. در مجموع می‌توان گفت درکی که از شهر در ذهن یک شهروند شکل می‌گیرد، حاصل برهم‌نهی ارزش‌های فرهنگی، طبیعی و تاریخی است و طبعاً برای شناخت آن می‌بایست به ابعاد مختلف بوم‌شناسانه و انسان‌شناسانه زندگی شهری پرداخته شود.

در این راستا پویایی مفهوم منظر، قابلیت به‌کارگیری همزمان توسعه - به عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر دوران کنونی - و حفاظت - برای حفظ پیوند با ارزش‌های گذشته - را به عنوان دو رویکرد مکمل فراهم می‌کند که می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در اختیار برنامه‌های بازآفرینی شهری قرار گیرد.

در تهیه برنامه‌های بازآفرینی پایدار شهری باید کوشید تا با لحاظ کردن همه ابعاد ملموس و ناملموس تاریخی، طبیعی و فرهنگی که توسط شهروندان درک می‌شوند و همچنین شناخت تفاوت‌ها و تمایزات شهرها و شهروندان ایرانی از طریق توجه به مولفه‌های یادشده، فرایندی برای بازتعریف هویت شهرهای ایرانی و بستری برای تحقق بازآفرینی پایدار شهرهای ایران سامان‌دهی شود. از این طریق می‌توان در راستای کشف فضیلت شهرهای ایرانی و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان ایرانی در دوران معاصر گام برداشت.